

مروری بر اهمیت اقامتگاه‌های بوم گردی

زندگی، عرصه مهارت‌های توست

و نشیبه‌های زندگی در مختصات آن سوی سرزمین، برای هر آدمی دارد.

تا پیش از گفتگو با عمو قدرت بانی برپایی اقامتگاه بومگردی به این فکسر می‌کردم که چه رویداد فرخنده‌ای در سرزمینم به وقوع پیوسته و این برپایی، رخداد میمون و مبارکی است که باید به آن بیشتر پرداخته شود. برپایی اقامتگاه‌های بومگردی در اقصی نقاط ایران در برابر تخریب‌های گریبانگریز که دهها پیش تا کنون به منظور نوسازی، بافت شهری، روستایی و محلی را دستخوش تطلول و تجاوز کرده بود اکنون با ارمغان برپایی اقامتگاه‌های بوم و بر گردی، امید شیرینی را هدیه فرهنگ و هنر ما کرده است. هنگامی که با گروه مستندسازی «سرزمین من» به تهیه کندی و کارگردانی فواد موسوی، گزارش از اقامتگاه‌های بوم و بر گردی و اهمیت برپایی این مراکز، مسورد توجه قرار گرفت به این مهم می‌پرداختیم که چه میزان بافت‌های زیبای روستایی و محلی با معماری‌های بی نظیرشان می‌تواند مانع شکاف نسل‌ها شود و مشاغل روستایی را باعث، در همین راستا مهاجرت معکوس می‌تواند در جهت اشتغال و کار آفرینی به منظور تقویت زندگی منطقه، تاثیر شگرفی ایجاد کند و همچنین احیای بافت شهری، روستایی و محلی و در ادامه حفظ و حراست آن اما بسا وجود عمو قدرت در اقامتگاه بومگردی متوجه مورد مهمتری شدیم که تا کنون به شکل جدی مورد توجه واقع نشده بود و این مهم را شخصیت اصل عمو قدرت به ما هدیه داد. او عمو قدرت در نشست‌ی که برای تهیه برنامه داشتیم، با اخلاقی پسندیده و نیکی که با همه داشت اخلاقی در سنت سرزمین مان را به بهانه برپایی اقامتگاه‌های بومگردی به ما یادآور شد. در این آشنایی متوجه شدیم مورد بسیار مهمی که اقامتگاه‌های بومگردی را حائز اهمیت می‌کند و باید به آن توجه ویژه داشت آشنایی با منش و شخصیت در سنت ایران زمین است. هدف از یا گذاشتن در اقامتگاه‌های بومگردی، قرار گرفتن در محیط و سازه خشت و گلی نیست

بلکه هدف، پا گذاشتن در دل تاریخ و آشنایی با منش و کنش گذشته‌هاست. وقتی وارد اقامتگاه بومگردی عمو قدرت می‌شوی گویا به تاریخ و به دوران گذشته با تمام شیرینی و حلاوتش ورود کردی و به دنیای بازمناده از گذشتگان تا سیر و سلوک جانانه داشته باشی. بزرگی و بزرگواری را در این سراسر از بزرگ این اقامتگاه یاد می‌گیری، مردی که با تمام خستگی‌های هرگز با مشقت‌های شبانه روزی کار در برابر کوچک و بزرگ خم به ابرو نمی‌آورد و از صبح زود تا دل شب با لبی خندان و طبع عشق در دستان زحمتکش و به مهمانان، زندگی هدیه می‌دهد. عمو قدرت پدر بازنشسته که سال‌ها در شرایط سخت کاری به امرار معاش مشغول بوده است و مانند خیلی از بازنشستگان می‌توانست دست از کار بشوید و به دوران بازنشستگی درود بگوید اما در آغاز بازنشستگی تصمیم می‌گیرد تا مکانی را برپا کند تا هر انسانی نه تنها از اقصی نقاط ایران زیبا که از هر کجای دنیا با دستبان در مهر او مهر بنوشد و عاشقانه بروید. او می‌گوید وقتی دریافت، مکانی در نزدیکی خانه متروکه پدریش است که چشم گردشگران داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است تصمیم می‌گیرد برای اقامت این گردشگران، خانه پدری متروکه را بازسازی کند و اقامتگاه بومگردی را با حال و هوای منطقه دایر کند. تیمره، منطقه‌ای در گلیپایگان که سابقه بیش از چهل هزار سال تمدن و زندگی را در دل خود به یادگار دارد منطقه مهم گردشگری و میراث فرهنگی به ششمار می‌آید که سالانه گردشگران بسیاری را به منطقه می‌کشاند. این گردشگران با حلقه وجود عمو قدرت با هزاره‌های دور پیوند می‌خورند. با وجود حلقه پیوند عمو قدرت با دل پیش تاریخ تا کنون، حلقه پیوند خانوادگی هم بیشتر و بیشتر می‌شود. با وجود عمو تعداد افراد خانواده رو به فزونی است چرا که انقدر مهربانانه چون خانواده خود، مقدم مهمانان را گرمای می‌دارد که هر کس به این سراسر ورود کند به خانواده بزرگی وارد شده است و از اعضای محترم آن

حبیب احمدزاده در مراسم خاکسپاری پوراحمد:

وصیتنامه کیومرث پوراحمد هیچ مسئله سیاسی ندارد

گذاشت، چون همین آثاری که نامشان مرور شد با این پایان‌بندی، هماهنگ نیست. رئیس هیات مدیره خانه سینما و مدیرعامل خانه هنرمندان به حرفها و شایعاتی که درباره علت مرگ پوراحمد در فضای مجازی منتشر شده اشاره کرد و این سرا به یک دنبای حبیب احمدزاده گفت: باید خویششناری بیشتری داشت و در عین حال باید از هنرمندان بخصوص پیشکسوتان مراقبت کرد. البته تا می‌گوییم مراقبت، برخی سانسور را برداشت می‌کنند یا مراقبتهای مالی ولی نقش صنف در این زمینه بسیار مهم است.

در ادامه مهرانه ربی همسر پوراحمد با صداپی گرفته، گفت:کیومرث مرا کشت و پرورنده مرا بست، ما همیشه با هم بودیم. چیزی که برایم عجیب است، این است که او اصلا چنین شخصیتی نداشت و من این اتفاق را باور نمی‌کنم. تازگی‌ها یاد گرفته بود دست مرا می‌وسید و می‌گفت باید شکرگزار باشم؛ نمی‌دانم چرا این کار را می‌کرد. فرود پور یک هفته‌ای بود و برگردد، من هم نمی‌توانستم بروم.

او با اشاره به اینکه پوراحمد عاشق مردم بود، خطاب به همسرش گفت:کیومرث، خانه من خراب شد.

یکی از دختران کیومرث پوراحمد نیز به نواپسندی از دیگر خواهرانش گفت: همیشه به پدرم میگفتم فکر نمیکنم هیچ دختری پدری مثل ما داشته باشد چون او عاشقانه دخترانش و نیز ایران را دوست داشت. مهرباد پوراحمد هم به نواپسندی از خانواده پوراحمد گفت: کیومرث پوراحمد پرورنده‌ای است که همیشه باز است و فارغ از تمام حاشیه‌ها میخواهم که به ما کمک کنيد تا این دوران را سپری کنیم.

در پایان پیکر کیومرث پوراحمد به سمت مزاری که آماده شده بود، بدرقه شد.



در میحی دیگر در این باب درمبخش گفته بود: «دلم می‌خواهد همه هنرمندان جوانی به نوعی منحصر به فرد دانست، او از طریق چشم‌ها صحبت می‌کرد و حرف‌هایش راز و رمزی داشت که با خطوطش به دست آورده بود. آثار نوروزی درمبخش هم از جمله آثار دوست داشتنی اوست. این کاریکاتوریست، نوروز سال ۹۵ در مقام استادی آرزوهایی برای حوزه هنری‌های تجسمی داشت. آرزوهایی که با نگاهی عمیق بر نیازهای هنرهای تجسمی ایجاد شده بود. آرزوهایی در باب حمایت‌های اقتصادی از هنرمندان و فراهم کردن مأمنی برای هنرمندان جوان.



گروه فرهنگی – فاطمه مشهدی باقر:

نسیم ملایمی بر گونه‌ام گذشت و شکوفه‌های گیلان بر سرم باریدن گرفت. روی سر و دوش و دامنم پر شد از شکوفه‌های گیلان. عطر نان شیرینی، شلأمه ام را نوازش داد. یک آن احساس کردم پای سفره عقد نشستم. همه چیز در جهت تکمیر و تقدیس تو بود که

باگام‌های او به خودم آمدم. سسینی چای را جلوی من گذاشت و یا گویش زیبایی خود گفتگوی شیرینی را آغاز کرد. «خانم دکتر هر کس میداد اینجا از من مشورت میگیره تا با من همکار بشه، پیش فقط از سختی‌های کار نمی‌گم اتفاقا تشویقش

می‌کنم زودتر همکارم بشه که بتونم رقابت کنم برای خدمات بهتر و بیشتر به مردم. بتونم اخلاقم رو بهتر کنم تا بیشتر به اقامتگاه اعتبار بدم.»

نگاه خردمندانش بیشتر مرا جذب کرد. بیشتر با او به گفتگو نشستم و بیشتر از پیشتر جذب نگاه خردمندانه و پدرانه اش شدم. هر چقدر بیشتر می‌گفت بزرگی خاضعانه او بیشتر نمود می‌یافت. این که چه میزان سختی و مرارت‌ها را خردمندانه تاب آورده است تا به اینجا رسیده است. نگاه‌های مهربان او و لبخند همیشه‌گی او که فراخوان هر کسی در آن محدوده است. حکایت‌های زیادی از فراز



دو روز پس از وداع شوکه‌کننده و تلخ کیومرث پوراحمد، کارگردان سرشناس سینما، با زندگی این جهان، دیروز ۱۸ فروردین ماه اعضای خانواده و همکارانش در قطعه هنرمندان بهشت زهرا تهران گردهم آمدند تا عزیز خود را به خاک بسپارند.

به گزارش ایسنا جمعی از مردم علاقه‌مند به این هنرمند هم به بهشت زهرا آمده بودند، در حالی که دختران مرحوم پوراحمد که به تازگی به ایران برگشته‌اند و نیز همسرش با بی‌تایی فراوان در مراسم حضور داشتند.

گوروش سلیمانی مجری مراسم در ابتدا گفت: «سلام ما به پرورین دخت بزدانیا، مادری مهربان که ما خیالمان راحت است کیومرث پوراحمد را در آغوش خواهد گرفت. ایمن بازیگر در ادامه به مهرانه ربی همسر کیومرث پوراحمد و دخترانش که در غربت این خیر تلخ را شنیدند تسلیت گفت و از مردم که برای این مراسم به بهشت‌زهرا آمده بودند قدردانی کرد.

مرضیه برومند مدیرعامل خانه سینما، به گزارش تسنیم در مراسم گفت: «خانم دکتر هر کس میداد اینجا از من مشورت میگیره تا با من همکار بشه، پیش فقط از سختی‌های کار نمی‌گم اتفاقا تشویقش

می‌کنم زودتر همکارم عرب نماینده کنون کارگردان خانه سینما با حضور در جایگاه گفت ۱۶۰ فروردین ماه، جان از تن سینمای

آرزوی کامبیز درمبخش برآورده می‌شود؟

درگذشت او می‌گذرد و فضای هنرهای ۹۵ برای هنرهای تجسمی یک آرزو کرده بوده اینکه سرانجام بودجه‌ای برای خرید آثار هنری تصویب شود و دولت بتواند از این راه از هنرمندان حمایت کند و آثارشان را بخرد؛ اما با خبری که وزیر ارشاد در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۱ و در جریان برگزاری جشنواره تجسمی فجر داد، شاید بتوان رسیدن به این آرزو را بیش از پیش در دسترس دید.

به گزارش ایسنا، آرزوهای هنرمندانی که به مقام استادی رسیده اند اغلب یک ویژگی خارق‌العاده دارد؛ آن‌ها با بیان آرزوهایشان برای جوانانی که در ابتدای مسیرند، راه را هموار می‌کنند. کامبیز درمبخش در روزهایی که هنوز زنده بود و ما هم فکر نمی‌کردیم روزی کنونی بی رحم او را از ما و هنر ایران زمین بگیرد، درساره اختصاص بودجه برای خرید آثار هنری چنین گفته بود، «میدوارم این طرح بالاخره تصویب شود و دولت بتواند از این راه از هنرمندان حمایت کند و آثارشان را بخرد. این طرح مدت‌هاست مطرح شده، اما در سال ۹۴ هم به تصویب نرسید.»

حالا وقت ۱۴۰۲ از روزی کامبیز درمبخش هنرمند کاریکاتوریست و حدود دو سال از

نگاره

«رهایم کن»؛ عاشقانه‌ای که دیر شروع می‌شود

احسان رحیمزاده



اولین قسمت از سریال رهایم کن، صبح روز جمعه ۲۸ بهمن‌ماه، در پلتفرم فیلمو منتشر شد. این سریال را شهرام شاه‌حسینی کارگردانی و مجید مولایی، تهیه کرده است. محسن تنابنده، هوتن شکیبا، هدی زین‌العابدین، مهدی حسینی‌نیا، بابک کریمی، مونا احمدی، مانده طهماسبی، شهرام قاندی، رابعه مدنی و همچنین آزاده صمدی، حسن معجونی، یوسف تیموری و سام نوری بازیگران رهایم کن هستند. داستان رهایم کن که با قلم سیننا شفیعی و سجاد ابوالحسنی و به سرپرستی مجید مولایی، به نگارش درآمده، درباره دو برادر از یک خانواده سرشناس ساکن سیاه‌رود به نام‌های هانف و حاتم است. حاتم پسر ارشد خانواده دلاده پرستار بجاش، مارال است. درحالی‌که هنوز ایهامات زیادی در رابطه با سرنوشت زن سابقش در میان اهالی سیاه‌رود وجود دارد، مارال می‌فهمد جان برادرش در خطر است. حاتم در پی کمک به مارال و پیگیری ماجرا متوجه می‌شود داستان برادر را، به برادر کوچک خودش‌هانف که چند سالی است به تهران مهاجرت کرده، گره خورده است. با بازگشت‌هانف به سیاه‌رود، دو برادر درگیر موقعیت پیچیده‌ای می‌شوند که خروج از آن ممکن است آنها را تا مرزهای غربی‌ای از عشق و نفرت بکشاند. این سریال، جمعه‌ها ساعت ۸ صبح در شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود. مشکل اصلی سریال «رهایم کن» این است که یک قصه محوری ندارد و می‌خواهد چند خط داستانی را به سسرانجام برساند.

سریال در قسمت‌های اولیه‌اش پراکنده و به هم ریخته‌است و در قسمت ششم و هفتم به اندکی انسجام می‌رسد. «رهایم کن» با مقدمه‌ای طولانی به سراغ گره اصلی‌اش می‌رود و قصه را دیر شروع می‌کند. نایب نایب‌سرخی (بابک کریمی) سه فرزند دارد که معلوم نیست کدام یک قهرمان داستان هستند و قصه کدام فرزند را باید دنبال کنیم. حاتم (محسن تنابنده)،هانف (هوتن شکیبیا) و افسانه (مونا احمدی) سه فرزندی هستند که همگی درگیر بحران‌های خانوادگی و اجتماعی شده‌اند و کنش‌های دراماتیک در این سه سطح صورت می‌گیرد. شاید بتوان گفت قصه درباره یک خانواده مرفه در نظام آریاب، رعیتی قبل از انقلاب است که دارد به تدریج اقتدارش را از دست می‌دهد. شهرام شاه‌حسینی که در سریال «می‌خواهم زنده بمانم» از دهه شصت گفته بود، حالا ده سال به عقب برگشته و مناسبات دهه ۵۰ را در یک جامعه روستایی روایت می‌کند. لوکیشن معدن و کارگرانی که با جان کندن نان درمی‌آورند، انتمسفر مناسی را برای روایت یک عاشقانه نسبتا خشن ایجاد کرده است. کارگردان از ایجاد تعلق‌یای لازم ناتوان است و نمی‌تواند مخاطب را نسبت به ادامه داستان کنجکاو کند. مولفه‌ای که سریال را سرپا نگه داشته بازی‌های درخشان بازیگرانی چون محسن تنابنده، هوتن شکیبیا، مونا احمدی، هدی زین‌العابدین و حتی مهدی حسینی‌نیا است. محسن تنابنده آوازده‌ای است که برای اقتضا نشدن رازهای اطرافیان باید مدام باج بدهد. رازهای مگوی سریال که فاش‌شدن‌شان خطرناک است عبارت‌اند از: رابطه افسانه با مرد خواننده، کشته شدن کارگر معدن، قتل پونس (یوسف تیموری) و … تنابنده که خط قرمزهای مشخصی دارد، حس ناموس‌پرستی را خوب بروز می‌دهد و در مواقعی هم مردی دل‌رحم و مهربان می‌شود.

مهدی حسینی‌نیا از بازیگران بی‌ادعاست که بازی‌اش خیلی دیده نمی‌شود. او اینجا هم مثل «یاقی» در رخشان ظاهر می‌شود و نقش یک پیشکار تئوسری‌خور و تحقیرشده را خوب اجرا می‌کند. اگرچه این اثر به عنوان یک سریال عاشقانه معرفی شده؛ ولی تا اینجای کار حجم روابط عاشقانه‌اش اندک بوده. شاید در قسمت‌های بعد با مثلث عشقی که بین دو برادر و مارال (هدی زین‌العابدین) شکل گرفته، غلظت این روابط بیشتر شود.

منبع: اینرا

اخبارکوتاه

پخش چهار سریال جدید از شبکه تماشا

شبکه تماشا چهار سریال جدید همچون «هاتف»، «بی همگان»، «آخرین پادشاهی» و «ماتادور» را برای مخاطبانش در نظر گرفته است. سریال‌هاتف به تهیه‌کنندگی نعمت چگینی و کارگردانی داریوش یاری ساعت ۲۰ روی آنتن شبکه تماشا می‌رود و بازیخشی آن ۲۸،۸۱۴ روز بعد پخش می‌شود. در خلاصه داستان سریال آمده است: در روز عاشورا، ابراهیم در کربلا بر اثر حمله قلبی می‌میرد. دخترش ریحانه بیکسر آخرین گفته ناتمام پدر می‌شود. این بیکسری ریحانه را رو در روی خانواده و زندگی ناشنوی‌اش قرار می‌دهد، اما ریحانه اعتقاد دارد که عدالت نمی‌تواند در پشت پرده خاند آدم بماند. . . او پرده از ایهام وصیت پدر بر می‌دارد. در این روند شخصیت و ایمان خود را بازسازی کرده و به دست می‌آورد. زیبا پوروه، سیدمهرباد ضیایی، بهزاد خاواسی، مریم بویانی، کمند امیرسلیمانی، حمید گودرزی، محمد حاتمئ، شهرام قاندی، محمد فیلی، کاظم بلوچی، مریم کاویانی، الهه حسینی و . . . از بازیگرانی هستند که در این سریال ایفای نقش کرده‌اند. مجموعه بی‌همگان به کارگردانی بهرنگ توفیقی و اصغرهایمی با قلم علیرضا کاظمی‌پور و سعید جلالی که سال گذشته از شبکه سه سیما روی آنتن رفت و مورد توجه مخاطبان قرار گرفت، قرار است در شنب شب ساعت ۲۱ از آنتن شبکه تماشا پخش شود و بازیخشی آن ۹، ۵۵۶، ۱۵ و عصر روز بعد خواهد بود. هنرپروزان، نسربین بابایی، سینهد امیرسلیمانی، مهدی ماهانی، محمد صادقی، میترا رفیع، مهسا باقری‌هادی قمیشی، مسعود شریف، علیرضا درویش، داریوش سلیمی و تریا دیانت از بازیگران سریال بی‌همگان هستند. همچنین رستا رحیمیان، بردیا اسگرگی و ندالان جعفری در گروه بازیگران خردسالان در این مجموعه تلویزیونی بازی خواهند داشتند. آخرین پادشاهی با نام اصلی the last kingdom سریالی تاریخی – ماجراجویانه است که براساس سری رمان‌های برنارد کورن ول Bernard Cornwell به نام مجموعه داستان ساکسون ساخته شده است. داستان این سریال در اواخر قرن نهم اتفاق می‌افتد، زمانی که انگلیس به هفت پادشاهی تقسیم شده بود. اثرشد وایکینگ‌ها به این قلمرو حمله کرد و در نهایت بر سرزمین ساکسون‌ها چیده می‌شوند و در ادامه داستان اوترد را دنبال می‌کنیم که به عنوان یک ساکسون به دنیا آمده اما به دست وایکینگ‌ها پرورش یافته و حالا او سعی می‌کند تا کشوری جدید را پایه گذاری کند. شبکه تماشا ۴۶ قسمت برای پخش آماده کرده است که هر شب ساعت ۲۲ پخش می‌شود و در ساعت‌های ۰۴،۰۰، ۱۰۰۰، ۱۶ تکرار آن قابل مشاهده

است. الکساندر دریمون، دیوید داوسون، توبیاس زانتلمان و امیلی کوکس در این سریال نقش‌آفرینی کرده‌اند. سریال پلیسی ماتادور به کارگردانی فرهاد نجفی و تهیه‌کنندگی جواد نوروز بیگی از هفته آینده جایگزین سریال پژمان خواهد شد . خلاصه داستان: یک مقام اروپایی برای شرکت در کنفرانسی درباره اثرژی آتمی به ایران می‌آید. گروهی تروریستی شامل یک زن و دو مرد، برای به‌هم‌ریختن برنامه‌های این کنفرانس در ایران دست به فعالیت‌های تروریستی می‌زنند. نیروهای پلیس برای جلوگیری از خرابکاری وارد عمل می‌شوند و… پوزیا پورسرخ، سام درخشانی، یولاد کیمیایی، علیرام نورایی و شقایق فراهانی از بازیگران اصلی این سریال هستند.

جانئ دپ با فیلم جدیدش جشنواره فیلم کن را افتتاح می‌کند

«ژان دو باری» با بازی جانئ دپ به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره فیلم کن ۲۰۲۳ انتخاب شد. به گزارش مهر، «ژان دو باری» که در آن جانئ دپ در نقش پادشاه لویی پانزدهم بازی کرده برای افتتاحیه فیلم کن انتخاب شد. این فیلم به کارگردانی مونی اولین نمایش جهانی خود را ۱۶ ماه می در کاخ جشنواره تجربه می‌کند. در این فیلم که زندگی، ظهور و سقوط پادشاه فرانسه را تصویر می‌کند، کارگردان هم به عنوان شخصیت اصلی فیلم در کنار دپ نقش آفرینی کرده است.

نشان اولرئینز جوانی از طبقه کارگر که تشنه لذت است و از هوش و جذابیت خود برای بالا رفتن از پله‌های نردبان اجتماعی استفاده می‌کند موفق می‌شود تا توجه پادشاه را به خود جلب کند و برخلاف همه اصول به ورسای نقل مکان می‌کند و باعث رسوایی دربار می‌شود. این فیلم در عین حال از سوی عربستان سعودی تأمین مالی شده و اولین باری است که فیلمی از عربستان این جایگاه را به دست می‌آورد. هفتاد و ششمین جشنواره فیلم کن از ۱۶ تا ۲۷ می (۲۶ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۴۰۲) برگزار می‌شود.